

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ
 بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ
 مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ
 التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا
 مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ
 مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا
 بِأَنْفُسِهِمْ عَن نَفْسِهِ ۗ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ
 وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا
 يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يِنَالُونَ مِن عَدُوٍّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم
 بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾
 وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ
 وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً ۚ
 فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
 وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾



درس پنجم



احکام و فقه اسلامی

در درس پیش گفتیم که یکی از اجزای شجره طیبه اسلام، فقه است. دین‌داری و دین‌گستری براساس دین فهمی، از ضروریات حتمی و حیاتی زندگی به شمار می‌آید. اسلام شناسی غذای روح و شکل دهنده فکر انسان است و پایه دین اسلام اعتقادات پاک اسلامی یعنی توحید، معاد و نبوت است. از چندین آیه از آیات سوره هود به روشنی استنباط می‌شود که دعوت مشترک تمام پیامبران به ایمان راسخ به توحید و معاد بوده است. به قول امام کاظم علیه السلام دنیای بی‌خدا کشتی سرگردانی است در اقیانوس بی‌پایان. فرد غیرموحد، فردی بریده از خالق، مالک و گرداننده هستی است؛ بنابراین، زمام وجودش از هم گسیخته است و شیطان و شیاطین و هوای نفس می‌توانند او را به هر جهتی که بخواهند، ببرند. نگاهی به تاریخ اسلام به خوبی نشان می‌دهد که چگونه پیامبر با دعوت مخلصانه، پاک و بصیرتمندانه خود در مکه توانست مردم را از شرک و بی‌خدایی نجات دهد و موحد و مطیع فرمان پاک خداوند کند. او با دعوت به قیامت (و به خصوص بهشت) و رعایت احکام اسلامی، یارانش را با زندگی سالم و پاک و ابدی زیبایی آشنا کرد و با این کار به حیات گذرا و پر از درد و گناه انسان‌ها معنا و مفهوم بخشید. باید بگوییم که با ایمان به معاد هیچ‌کس پوچ‌گرا نمی‌شود. دوران مکه گرچه پر

از درد و رنج بود و مشرکان از هرگونه آزاری در حق مؤمنان دریغ نمی‌کردند، اما ایمان به توحید و قیامت و رعایت احکام اسلامی را در مردان و زنان شکوفا کرد؛ به طوری که نام آنان در تاریخ بشریت برای همیشه می‌درخشد. آنها با الگو گرفتن از پیامبر رحمت، برای خود زندگی‌هایی سرشار از معنا و معطر به عطر ایمان ساختند. امروزه اگر بعضی از مسلمانان از مفهوم عبادت و اخلاق دورند، این امر ریشه در دوری آنان از اعتقادات پاک ایمانی دارد. کسی که بدون هیچ دلیلی اهل نماز نیست، به روزه و رمضان بی‌اعتناست، زکات نمی‌دهد، می‌تواند حج به‌جا آورد ولی از آن غافل است، به این دلیل است که پایه‌های اعتقادی محکم ندارد و از اسلام و دین فقط پوسته‌ای را شناخته که از مغز توحید و قیامت تهی است.^۱ آری، مسلمانانی که تا حدودی متعهد به انجام دادن عبادات‌اند اما از اخلاق و صفات ایمانی به دورند، مشکیشان این است که در معرفت دینی نقص دارند و اعتقاداتشان سطحی و غیرمحکم است.

هر که در او جوهر دانایی است بر همه چیزش توانایی است^۲

بررسی فقه و جایگاه آن به ما می‌آموزد که با رعایت احترام به مذهب فقهی یکدیگر، در جست‌وجوی حق و رسیدن به سنت پاک پیامبرمان باشیم. اختلاف فهم در هر زمینه علمی و معرفتی کاملاً طبیعی است و به‌طور خاص، اختلاف برخاسته از مراجعه ما به متون دینی و فهم ما از آنهاست.

تعریف فقه اسلامی

واژه فقه به معنای فهم عمیق و تیزهوشی است و تَفَقُّهُ در دین یعنی فهم دقیق دینی. علما در اصطلاح اسلامی و شرعی از فقه تعریف‌های گوناگونی ارائه داده‌اند. امام اعظم ابوحنیفه رحمته‌الله، فقه را شناخت آنچه برای وجود انسان مفید یا مضر است تعریف کرده است. امام شافعی رحمته‌الله فقه را علم به احکام شرعی عملی می‌داند که از دلیل‌های شرعی گرفته شده است. احکام زمینه‌های متفاوتی دارد. برای درک صحیح احکام شرعی عملی مثالی از حج می‌آوریم. رعایت قوانین مربوط به سفر هوایی، آداب و رسوم مربوط به فرودگاه و خروج از کشور و... احکام قانونی این سفر مبارک است. بردن قرص و دارو برای کسانی که بیمارند و دوری از خوردن و آشامیدن بعضی چیزهایی که سلامت حاجی را به خطر می‌اندازد، احکام بهداشتی حج است و... اما اینکه طواف کعبه چند دور است و از طرف راست یا

۱- جا داشت که در این کتاب بیشتر از این مختصر، درباره مسئله عقاید و قیّم سخن گفته می‌شد اما چون کتاب دین و زندگی به این امر مهم پرداخته است، به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

۲- نظامی گنجوی، مخزن الاسرار

چپ انجام می‌شود و...، از احکام شرعی عملی حج است و فقه به چنین مسائلی می‌پردازد؛^۱ بنابراین، موضوع فقه، افعال و اعمال شرعی مکلفان است.^۲

ویژگی‌های فقه اسلامی

فقه اسلامی، به عنوان بخش عملی اسلام، بر اساس قرآن و سنت و سایر دلایل شرعی بنا شده است و با بخش اعتقادی اسلام ارتباطی مستقیم دارد. به این معنی که مکلف خود را به آن پایبند می‌داند؛ چون به ریشه و اساس آن، که ایمان به توحید و قیامت و رسالت است، اعتقاد دارد و علت اینکه می‌بینیم همیشه در قرآن و سنت اعمال فقهی به ایمان مرتبط شده، همین است؛ مثلاً مکلف روزه می‌گیرد؛ چون مؤمن است^۳ و خدایش فرموده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما واجب شده است.»^۴

بنابراین تعهد فقهی در اصل تعهدی مبتنی بر اعتقادات فقهی است. فردی که زکات می‌دهد و در پرداخت آن آداب و شرایط و محدوده‌ای را رعایت می‌کند، به گونه‌ای نشان می‌دهد که با اصل و ریشه دین در ارتباط است و هرچه این ارتباط آگاهانه و مخلصانه‌تر باشد، دین‌داری فرد، زیباتر و پرثمرتر است.

تفاوت فقه اسلامی و قوانین بشری

فقه اسلامی با قوانین بشری که ساخته و پرداخته ذهن انسان‌هاست، تفاوت‌هایی اساسی دارد که در اینجا برخی از آنها را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱- اساس آن وحی و قرآن است؛

باید دانست که اعتبار سایر پایه‌های فقه (سنت و اجماع و...) هم مبتنی بر قرآن است. منشأ و حیاتی فقه آن را در عین زمینی بودن به آسمان‌ها می‌برد؛ در حالی که قوانین بشری هر چقدر هم که مهم باشند و محترم شمرده شوند، باز بشری هستند و به وحی ربطی ندارند.

۱- الفقه الاسلامی و ادلته، جلد اول، ص ۳۳

۲- مکلف به فرد بالغ، عاقل و مختاری می‌گویند که تکالیف شرعی، به اعمال او مرتبط است؛ یعنی برخی از اعمالش بر اساس شریعت اسلامی، واجب و برخی مستحب، برخی حرام و برخی مکروه و بعضی مباح است.

۳- الفقه الاسلامی و ادلته، جلد اول، ص ۳۲

۴- سوره بقره، آیه ۱۸۳

۲- ویژگی دینی دارد؛

این ویژگی دینی است که مقوله حلال و حرام را در آن ایجاد می‌کند. در قوانین دنیوی حکم قاضی و تراوش فکری قانون‌گذار محدوده احکام را روشن می‌کند اما در فقه اسلامی فقط حکم مستقیم خدا و پیامبر و یا اجتهاد مجتهد و فقیه که مرتبط با قرآن و سنت و در ارتباط با حلال و حرام شرعی می‌باشد تعهد بیشتری در مخاطب ایجاد و او را پایبندتر کرده و در سرنوشت اخروی او تأثیر مستقیم دارد. به عنوان مثال ابراء یکی از احکام دینی مرتبط با قرض است. در حکم ابراء شخص قرض دهنده قرضی را که بر فرد مقابل دارد به خاطر رضای خدا می‌بخشد حال اگر فرد ابراء کننده (بخشنده قرض)، (پس از ابراء) مدعی قرض خود شود مفتی به حرام بودن یا پس گرفتن آن، فتوا می‌دهد اما قاضی پس‌گرفتنش را روا می‌داند. بنابراین در دینی بودن فقه، حلال و حرام بودن اعمال مورد نظر است.

۳- پاداش و سزای دنیوی و اخروی دارد؛

در قوانین وضعی، مجازات و پاداش، فقط دنیوی است. یعنی برخی از کارها مثل کار کارمندان دارای پاداش هستند و برخی از اعمال مانند دزدی و اختلاس مجازات دارند؛ اما نکته‌ای که در اینجا مهم به نظر می‌رسد این است که تمام خدمات و کارها همیشه معلوم و علنی نیست و گاهی از نظرها پنهان می‌مانند، همچنین انجام دهندگان اعمال لازم و واجب در درجه اتقان و کیفیت انجام کار با یکدیگر یکسان نیستند. در مقابل، کارهای بد نیز در بسیاری از موارد پنهانی انجام می‌شود و متخلفان از چنگ قانون فرار می‌کنند؛ ضمن اینکه در قوانین بشری برای آن اعمال پنهانی پاداش یا مجازاتی در نظر گرفته نشده است. اما در فقه اسلامی که قانون خدایی است تمام اعمال مکلف (آشکار و پنهان)، پاداش و یا سزا دارد و در پرونده اعمال توسط فرشتگان ثبت و ضبط می‌گردد و هیچ عملی ضایع و تباه نگشته و در ترازوی عدل الهی در قیامت، ارزش هر کار به‌طور دقیق سنجیده می‌شود.

۴- ماندگار و زمان شمول است؛

فقه، اصولی دائمی دارد که تغییر ناپذیر است مثل تراضی و خشنودی خریدار و فروشنده در معامله، حمایت از حقوق فرد و جامعه و مبارزه با جرم و جنایت. اما در عین حال در فقه اسلامی قیاس و مصالح عمومی و خصوصی انسان‌ها هم در نظر گرفته شده و قواعد و قوانینی دارد که بر اساس شخص، زمان و مکان‌های مختلف می‌تواند تغییر کند و در نتیجه فتوا به تغییر آن داده می‌شود؛ مثلاً براساس موازین فقهی، حسنات (اعمال نیک) و سیئات (اعمال بد) می‌تواند بنا بر فرد و زمان و مکان، وزن مخصوص پیدا کند.

۵- جهان شمول است.

یکی از تفاوت‌های بسیار مهم فقه با قوانین بشری، شمول و گستردگی فقه اسلامی است. فقه اسلامی در صدد است رابطه انسان را با خدا، مردم و جامعه، محیط زیست و آنچه در آن است (همچنین خود فرد مکلف) اصلاح کند. فقه جز همه اینها، قانون دین و دولت است و برای تمام بشریت وضع شده و در پی خوشبختی دنیوی و بلکه ابدی برای انسان است. احکام آن تلفیقی است از عقیده (از جهت مرتبط بودن با عقیده)، عبادت، معامله و برخورد با همگان. از طرف دیگر، فقه با درون انسان مرتبط است و در عین حال ظاهر را هم در نظر دارد؛ به همین سبب، شمول و فراگیری آن بسیار وسیع‌تر از قوانین بشری است. اکنون که از شمول و گستردگی فقه سخن گفته شد، لازم است این ویژگی از ویژگی‌های فقه اسلامی به‌طور گسترده‌تری بررسی گردد. فقه اسلامی از این زاویه به دو دسته عبادات و معاملات تقسیم می‌شود. در اینجا این دو دسته از احکام را به صورت مختصر شرح می‌دهیم و تبیین می‌کنیم.

۱- احکام عبادات: موضوع این بحث، رابطه انسان با خداست؛ گرچه در اکثر موارد، بخش عبادات هم بی‌ارتباط با انسان‌ها نیست.

۲- احکام معاملات: منظور از معامله در اینجا فقط خرید و فروش نیست بلکه تعامل و ارتباط شخص با دیگران نیز هست (به شکل فردی و یا رابطه مسلمان با جامعه اسلامی و دیگر جوامع به صورت جمعی).

اصل اباحت

یکی از ویژگی‌های دین اسلام این است که بهره بردن از اشیا و نعمات را در اصل، روا و مباح می‌داند. این ویژگی موجب می‌شود که مسلمان در مقابل دین احساس امنیت کند و با تمام وجود معتقد شود که حرام کردن برخی امور برای دفع ضررهای جسمی و روحی آن است. دین می‌خواهد انسان از چیزهایی که واقعاً مفیدند، استفاده کند و از آنچه ضرر دارد، پرهیزد. باید بدانید که ممکن است گاهی دلیل حرام بودن اشیا و اعمال بر افرادی پنهان بماند. این مسئله ناشی از این است که در تحلیل حکمت اشیا، انسان‌ها معمولاً به عقل یا یافته‌های خود تکیه می‌کنند و چه بسا عقل فردی در میدان تشخیص مصلحت لنگ بماند.

قرآن به ما امر می‌کند که در استفاده از نعمت‌های خداوند به دو گزینه حلال بودن و پاک بودن اهمیت دهیم (حلالاً طیباً). در سوره اعراف آیه ۳۲ با پرسشی انکاری می‌گوید:

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ...»

«ای پیامبر زشتی کار حلال و حرام کردن ناروای مشرکان را به آنها گوشزد کن و [بگو چه کسی زینت‌های

الهی را، که برای بندگانش آفریده و همچنین روزی‌های پاکیزه را حرام و ممنوع کرده است.»

بنابراین، دلی پاک و روحی بلند و عقلی سالم است که به راحتی درک می‌کند که خداوند با حلال و حرام کردن می‌خواهد انسان را کامل کند و از آفات مختلف دور نماید. علمای اسلامی در کتب قواعد فقه، اصل اباحه را این‌گونه آورده‌اند: الاصل فی الاشیاء الاباحه؛ یعنی رویکرد اصلی شریعت اسلامی در انتخاب نعمت‌ها و استفاده از آنها، جایز و روا بودن است و حرام کردن امور حتماً به دلیل ضروری است که انجام دادن آنها برای فرد یا جامعه دارد.

بیشتر بدانیم

ضرورت آشنایی با فرم و محتوا در فقه اسلامی

تمام آنچه را که اسلام نامیده می‌شود، می‌توان به دو دسته فرم و محتوا تقسیم کرد. محتوا درون‌مایه و اساس هر چیز است و علمای اسلامی آن را اخلاص (نیت و انگیزه) می‌گویند؛ مثلاً در بحث صیام (روزه) محتوا رسیدن به تقواست. به همین جهت، قرآن هدف از فرض شدن روزه را بر مؤمنان رسیدن به تقوا ذکر می‌کند^۱، اما در عین حال به شکل و ظاهر هم – که علما آن را متابعت^۲ می‌گویند – در مورد روزه تصریح دارد؛ آنجا که از حکم روزه افرادی که مریض و مسافرند سخن می‌گوید و به آنها امر می‌کند که بعد از بهبود یا اتمام سفر، روزه خود را (در زمانی دیگر) به جا آورند. همچنین، به کسانی که به هیچ‌وجه توان ادای فریضه روزه را ندارند، قالب دیگری از عبادت به نام فدیة (جبران مالی) را معرفی و امر می‌کند^۳. در سنت پیامبر هم مسئله پرداختن به محتوا و ظاهر دیده می‌شود. رسول الله ﷺ همان‌طور که به محتوای خشوع و فروتنی در نماز عمل می‌کرد و مسلمانان را نیز به آن امر می‌نمود، به آنان فرمان می‌داد که ظاهر نمازشان را بر اساس ظاهر و شکل نماز خود آن بزرگوار تنظیم کنند و می‌فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ «آن‌گونه نماز بخوانید که مرا در حال نماز خواندنم می‌بینید»؛ یعنی ظاهر نمازتان مثل ظاهر نماز من باشد. بنابراین، برخلاف گفته برخی از افراد ساده‌اندیش، باید به محتوای برنامه‌های اسلامی توجه کرد و در عین حال، به ظاهر فقهی آنها هم متعهد بود. در نماز همان‌گونه که خشوع را در نظر می‌گیریم، در عین حال، بر اساس روش پیامبر ﷺ نماز می‌خوانیم؛ زیرا به قول اهل علم، این توجه به محتوا و ظاهر، کمال بندگی را در انسان نشان می‌دهد و در عین حال، دین را از دستبرد تغییر و تحریف و تبدیل نجات می‌دهد و آن را آن‌گونه که بوده است، باقی می‌گذارد؛ چون تغییر و تبدیل احکام، خیانت و جسارت به خدا، پیامبر، دین و مخاطبان دین است.

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۳

۲- متابعت یعنی اینکه فرم و ظاهر عمل بر اساس سنت و روش پیامبر صورت بگیرد. برای کسب اطلاعات بیشتر به شرح حدیث شماره ۲۱ اربعین نووی و تفسیر آخرین آیه سوره کهف مراجعه شود.

۳- سوره بقره، آیه ۱۸۴

اجتهاد و شرایط آن

اجتهاد در لغت به معنی تلاش و کوشش کردن است و در اصطلاح علمی، به تلاشی گفته می‌شود که فرد صاحب تخصص و توان دینی و فقهی، آن را انجام می‌دهد و هدفش کشف حکم شرعی و استنباط احکام از روی دلایل شرعی است. به کسی که دارای توان و تخصص اجتهاد باشد، مجتهد می‌گویند.

مجتهد باید از پنج موضوع مهم آگاهی کامل داشته باشد:

۱- کتاب (قرآن)

۲- سنت (مجموعه گفتار و کردار رسول خدا ﷺ و همچنین تأییدهایی که از اعمال شرعی مسلمانان داشته است)

۳- اقوال علمای صاحب نظر و اجماع‌های صورت گرفته در تاریخ فقه

۴- تسلط کافی بر زبان و ادبیات عرب

۵- شناخت کافی از قیاس و مهارت در آن.

در نهایت نیز، استعداد و توانایی استنباط احکام را هم به عنوان شرطی لازم داشته باشد. این ذوق و استعداد را «شمّ اجتهاد» می‌گویند. مورد اخیر را بسیاری از اهل تحقیق ذکر کرده‌اند؛ زیرا فرد عالم بدون این ذوق و شمّ، فقط ناقل است و بیشتر از آنکه توان اجتهاد داشته باشد، کتابی گویاست.^۱

به افرادی که توان اجتهاد ندارند و برای به دست آوردن حکم مسائل شرعی باید به اجتهاد مجتهدان رجوع کنند، مقلد می‌گویند. بنابراین، مراجعه فرد غیر مجتهد به مجتهد برای آگاهی از حکم شرعی، تقلید نام دارد. فرد مقلد بنا به اعتمادی که به مجتهد دارد، از رأی و اجتهاد او پیروی می‌کند. پس، تقلید، گرفتن حکم شرعی مسائل اجتهادی از مجتهد و پیروی کردن مخلصانه از آن است.

منابع اجتهاد

اجتهاد کاری کارشناسانه است که باید با رجوع به منابعی موثق و مرتبط با دین صورت گیرد. این منابع مهم را منابع اجتهاد و دلایل فقهی می‌گویند. قرآن، سنت، اجماع و قیاس منابع اصلی اجتهادند و استحسان، استصحاب، مصالح مرسله، عرف، شریعت‌های سابق و مذهب صحابه، سایر منابع اجتهاد به شمار می‌روند.^۲

۱- البته قصد از این سخن، کاستن مقام افراد ناقل نیست بلکه هدف این است که بدانیم اجتهاد جز توان علمی، نوعی تسلط و مهارت است و قضیه در حد نقل و ذکر اقوال باقی نمی‌ماند.

۲- دیران گرامی در صورت لزوم می‌تواند در کلاس، منابع غیر اصلی را توضیح دهند؛ اما اینها فقط جهت اطلاع بیشتر در اینجا ذکر شده است.

دانش‌آموزان گرامی می‌توانند برای مطالعه در این زمینه به کتب اصول فقه از جمله ترجمه فارسی «الوجیز» عبدالکریم زیدان، مراجعه کنند.

اجماع: در اصطلاح علمای اصول، اجماع عبارت است از اتفاق و هماهنگی قولی، فعلی یا تقریری مجتهدان، درباره مسئله‌ای که به حکم آن در قرآن و سنت رسول الله ﷺ اشاره نشده باشد.

اجماع سبب می‌شود:

- ۱- تفرقه و دودستگی در میان امت از بین برود؛
- ۲- باب اجتهاد باز بماند و انتخاب بهترین رأی، ممکن گردد؛
- ۳- هرگونه استبداد و دیکتاتوری و سوء استفاده از قدرت از بین برود.

امامان اربعه اهل سنت

به امامان چهارگانه اهل سنت (در فقه و مذهب) که به اتقان علما و بزرگان امت، در میان ستارگان آسمان فقاقت جایگاهی بزرگ دارند، ائمه اربعه می‌گویند. این بزرگواران به ترتیب زمان عبارت‌اند از:

۱- نعمان بن ثابت (امام اعظم ابوحنیفه) رحمته الله علیه پیشوای مذهب حنفی

۲- مالک ابن انس رحمته الله علیه پیشوای مذهب مالکی

۳- محمد بن ادریس شافعی رحمته الله علیه پیشوای مذهب شافعی

۴- احمد بن حنبل شیبانی رحمته الله علیه پیشوای مذهب حنبلی.^۱

گفتنی است که جز این پیشوایان بزرگ، در میان امت اسلامی بزرگان دیگری هم بودند که سبک و روش فقهی خود را داشتند و امام آن روش و سبک (مذهب) به حساب می‌آمدند اما برای رعایت مصالح، گروهی از خیر خواهان امت اعلام کردند که بهتر است به همین چهار مذهب اکتفا شود تا ضمن حفظ روش‌های فقهی مشهور، گامی مهم در جهت اتحاد اسلامی برداشته شود. در اینجا مناسب است که به علت وجود پیروان مذهب حنفی و شافعی در ایران، امامان این دو مذهب را به اختصار معرفی کنیم.

۱- امام ابوحنیفه رحمته الله علیه

امام اعظم النعمان بن ثابت (مشهور به ابوحنیفه) در سال ۸۰ هجری در کوفه به دنیا آمد و در ۱۵۰ هجری در بغداد درگذشت.^۲ امام اعظم به تحلیل دقیق کتاب (قرآن) و سنت و توجه به اهداف و مقاصد شریعت

۱- توجه داشته باشیم که در گذشته (در عصر امامان اربعه و حتی بعد از آنها) فقهای بزرگی بوده‌اند که سبک مستقل فقهی داشته‌اند اما پس از اکتفای امت به فقهای اربعه، مذهب آن بزرگواران از میان مردم رخت برسته است؛ از جمله آن بزرگان می‌توان به سعید بن مسیب و طبری اشاره کرد.

۲- در کتب عربی نامش را «النعمان» ذکر کرده‌اند.

بسیار اهمیت می‌داد و در این راستا به قیاس نیز توجه نمود.^۱ ابوحنیفه مردی باهوش و متفکری ژرف‌اندیش بود و صریح و بی‌باک سؤالات شرعی همگان را با صراحت و شجاعت با ادله فقهی جواب می‌داد و از دین خدا دفاع می‌کرد. او در بحث و مجادله تبحر داشت و منطقی سخن می‌گفت. از لحاظ شخصیت ایمانی و عملی نیز بسیار ذاکر، مردمی و متواضع بود. سبک تحلیلی امام اعظم موجب شد پیشوایان مذهب حنفی در گذشته به اصول و قواعد فقه خدمات شایانی کنند. امروزه هم در مسائل دفاع از حقوق بشر و تبیین و توضیح مسائل آن، آرای فقهای حنفی در جهان اسلام حرف اول را می‌زند. از ویژگی‌های اخلاقی امام ابوحنیفه خودداری ایشان از توهین به رقبای خود و غیبت آنهاست؛ به طوری که اگر تمام کتب تاریخی را بررسی کنیم، حتی یک بار هم مشاهده نخواهیم کرد که ایشان زبان به دشنام، نفرین یا غیبت کردن از رقبای خود گشوده باشد. تاریخ مذاهب معترف است که از جانب ایشان هیچ واکنش تهاجمی نسبت به اصحاب حدیث دیده نشده است. کتاب «الآثار» از جمله آثار علمی ابوحنیفه رحمته الله علیه است که احادیث در آن برحسب ابواب فقه مرتب گردیده و علامه سیوطی رحمته الله علیه مدعی شده که حتی امام مالک در تبویب^۲ «موطأ» خویش از ابوحنیفه پیروی کرده است. ابوحنیفه مقلد پرور نبوده بلکه سعی می‌کرده که مجتهد پرور باشد و در این کار، موفق نیز بوده است؛ به همین سبب همیشه به شاگردانش سفارش می‌کرده است که تا دلایل را نرسیده‌اند، از او پیروی نکنند. یکی از ابتکارات ایشان روتق «فقه استدلالی» میان دین‌جویان و دور کردن آنان از اندیشه تقلید محض بود. به همین دلیل، قیاس و رأی که حنفیه بدان استناد می‌کنند، مستند و مستدل است و این گونه نیست که مثلاً امام ابوحنیفه بگوید این مسئله جوابش این است؛ چون من می‌گویم. نقل شده است که ایشان در طول عمرش ۵۵ مرتبه به حج رفته و مدت ۶ سال در مکه اقامت داشته و این اقامت بیانگر آگاهی ایشان از احادیث و فتاوی متداول مکه و مدینه است.^۳ پیروان مذهب امام اعظم در پاکستان، هند، بنگلادش و چندین کشور عربی و در ایران در سیستان و بلوچستان، خراسان، ترکمن صحرا (گلستان) و

۱- قیاس یکی از ادله اساسی فقه اسلامی است (گرچه در بین امت، مخالفانی هم دارد). شکل قیاس این گونه است که به خاطر وجود علتی (مثل زایل کردن عقل)، حکمی (مانند حرام بودن) به انجام دادن کاری (مثل مشروب خوردن) در دلیل شرعی (مثل قرآن و سنت) داده می‌شود. قرآن نوشیدن شراب را حرام می‌داند و از آیات این کتاب آسمانی فهمیده می‌شود که علت این تحریم، مستی آور بودن آن است و حاصل مستی، زوال عقل است. حال اگر شراب به صورت شکلات عرضه شود، آنچه اهمیت دارد مستی آور بودن آن است. بنابراین، شکلات جامد با شراب مایع مقایسه می‌شود و به علت مستی آوری مشترک، حکم حرام بودن به شکلات مذکور داده می‌شود؛ این فرایند اجتهادی را قیاس می‌گویند. اهمیت قیاس را آنجا می‌توان دریافت که هنگام آمدن مواد مخدر به جوامع اسلامی، برخی از مردم استعمال آن را حرام نمی‌دانستند؛ چون معتقد بودند که در کتاب و سنت از آنها نامی برده نشده است؛ در حالی که تخدیر نوعی از انواع مستی است و این موارد را می‌توان با شراب مقایسه کرد.

۲- باب بندی کتابش

۳- السنه، سیاعی، ص ۳۸۵

همچنین بخشی از استان هرمزگان و کرمان زندگی می‌کنند. ضمناً باشکوه‌ترین مدارس دینی اهل سنت ایران، به‌خصوص شعب حفظ قرآنی، در مناطق حنفی‌نشین ایران است. از امام اعظم به‌جز کتاب الآثار، کتاب‌هایی به‌جا مانده است که از جمله آنها می‌توان «الفقه الاکبر» را نام برد.

۲- امام شافعی رحمته علیه

محمد بن ادریس الشافعی در سال ۱۵۰ هجری در فلسطین متولد شد و در سال ۲۰۴ هجری در مصر درگذشت. دو ساله بود که پدرش را از دست داد. در همان سال، مادرش او را به مکه (موطن اجدادش) برد و در آنجا پرورش علمی و ایمانی یافت؛ زبان و ادبیات عرب را آموخت و در هفت سالگی حافظ کل قرآن شد. نزد مسلم بن خالد، مفتی بزرگ مکه، علم دین و به‌ویژه فقه را آموخت. سپس، به مدینه رفت و در محضر امام مالک تحصیلاتش را ادامه داد. نزد آن بزرگوار در علم حدیث متبحر شد و کتاب «الموطأ» او را در مدت کوتاهی حفظ کرد. بعد از مرگ استاد بزرگش امام مالک، به یمن و پس از مدتی به بغداد کوچ کرد. در آنجا با سبک مخصوص علمای عراق (که اهمیت مخصوصی به رأی و اجتهاد می‌دادند) آشنا شد و با فقهای بغداد مناظرات جذابی داشت که مورد توجه اهل علم و ذوق قرار گرفت. در بغداد، امام احمد بن حنبل به خدمتش رسید و شیفته علم، ذکاوت، ادب و تعهد او شد. سپس، در سال ۲۰۰ هجری به مصر رفت و در برخی از آرا و نظراتش (که به مذهب قدیم مشهور است) تجدید نظر کرد و آرای جدیدی ارائه داد (به این نظرات امام شافعی «رأی جدید» می‌گویند). آن بزرگوار سرانجام در سال ۲۰۴ هجری در مصر به ابدیت پیوست.

امام شافعی انسانی وارسته، نکته‌سنج، ادیب، خوش قلم و سخنور بود و با تأمل سخن می‌گفت. هنگام سخن گفتن مطالب را شیوا و زیبا بیان می‌کرد و چنان می‌نوشت که خواننده مطالبش را از شنونده سخنانش حیران‌تر می‌ساخت.^۱ او مهارتش را در شعر و ادبیات به خدمت علوم دینی درآورد. شافعی عالمی وارسته بود و همگان به علم و تقوایش معترف بودند. فقه شافعی ضمن توجه به کتاب (قرآن) و سنت، به رأی و قیاس هم توجه زیادی دارد. در واقع، ادله عقلی و نقلی را با هم در آمیخته است. مردم مدینه در آن زمان امام شافعی را ناصر الحدیث می‌نامیدند؛ چون پیرو این نظریه بودند که:

جز به دستوری قال الله یا قال الرسول
ره مرو، فرمان مده، حاجت مگو، حجت میار^۲
کسانی که اهل اندیشه و قیاس و رأی محور بودند اما در عین حال، نص را هم رها نمی‌کردند، مذهب

۱- این تعبیر را علما برای آثار مکتوب امام شافعی به‌کار می‌برند و معنایش این است که وی زبانی شیوا و قلمی رساتر از زبان شیوایش داشته است.

۲- سنایی غزنوی

شافعی را بر می‌گزینند؛ چون می‌دیدند که رأی در این مذهب جایگاه مهم و ویژه‌ای دارد :

بی نهایت کیش‌ها و پیشه‌ها جمله ظل صورت اندیشه‌ها^۱

بیروان مذهب شافعی در مصر، عربستان، مالزی و همچنین در ایران در استان‌های بوشهر، هرمزگان، فارس، کردستان، آذربایجان شرقی و غربی و کرمانشاه و استان‌های شمالی ایران ساکن‌اند. از امام شافعی کتب مختلفی به جا مانده که از جمله آنها کتاب الام است.

اندیشه و تحقیق

- ۱- از سفرهای علمی امامان چهارگانه و ارتباط عاطفی و علمی آنها با هم، چه نتایجی می‌توان گرفت؟ توضیح دهید.
- ۲- منظور از ابراء چیست؟
- ۳- منابع اصلی استنباط احکام اسلامی کدام‌اند؟
- ۴- مجتهد در فهم احکام اسلام باید از چه علوم و موضوعاتی آگاهی داشته باشد؟

وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
 وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾
 وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ
 وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ
 وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ
 فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ
 وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلْكَ آيَاتُ
 اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾
 وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ
 الْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ
 بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ
 ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ
 وَ أَكْثَرُهُمُ الْفٰسِقُونَ ﴿١١٠﴾ لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَذًى ۗ وَ إِن
 يُقَاتِلْكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ﴿١١١﴾



امت واحده و بصیرت دینی

درس هشتم

با اندیشه در قرآن و سنت متوجه می‌شویم که بنای دین اسلام بر وحدت و اتحاد است. وحدت یعنی یکی بودن و اتحاد یعنی یکپارچگی. تمام مسلمانان در توحید (یکتاپرستی)، اعتقاد به خاتمیت رسول الله ﷺ و ایمان به قیامت وحدت نظر دارند. در آنجا هم که تفاوت نظر امری ناگزیر است (مانند مسائل فقهی و...)، اسلام به اتحاد و جمع شدن در اطراف ریسمان محکم الهی (توحید) و چنگ زدن به آن امر کرده است. باید بدانیم که تفاوت‌های فقهی هیچ‌گاه نباید مسلمانان را از هم پراکنده سازد. در عین حال، تفاوت در نظر، امری عادی و طبیعی است؛ تا جایی که به نقل از قرآن و طبق نص صریح آن، دو پیامبر در یک زمان (حتی با وجود رابطه پدر و پسری) با هم در داوری یک موضوع تفاوت نظر داشته‌اند.^۱

«وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»^۲

«همانا این امت شما امتی واحد است و من پروردگار شما هستم. پس، از من پروا کنید».

۱- به آیات ۷۸ و ۷۹ سوره انبیاء بنگرید. اختلاف داود و سلیمان عليه السلام، پدر و پسری که هر دو پیامبرند و قرآن داوری هر دو را در حل یک موضوع، خوب می‌داند اما حکم سلیمان (پسر) را بر حکم داود (پدر) ترجیح می‌دهد.

۲- سوره مؤمنون، آیه ۵۲.

در مورد اتحاد در مذاهب مختلف در عین حفظ اختلافات فقهی می‌توان به تابعی^۱ بودن امام اعظم علیه السلام اشاره کرد (توجه به این نکته هم لازم است که تابعی نزد همه مسلمانان جایگاهی محترم و والا دارد.) و به اینکه امام احمد بن حنبل علیه السلام شاگرد امام شافعی علیه السلام و امام شافعی هم شاگرد امام مالک علیه السلام است. این درس بزرگی برای تمامی امت است که بدانند آن بزرگان در عین تفاوت نظر در رویه و تحلیل مسائل فقهی، با یکدیگر رابطه صمیمی استاد و شاگردی داشته‌اند^۲. نام فراگیر و شاملی که قرآن برای مسلمانان انتخاب کرده، «امت» است. امت یعنی توده‌هایی از مردم که با وجود تفاوت در زبان، قومیت، آداب و رسوم، در هدفی مهم مشترک‌اند و آن هدف، همه آنها را با هم جمع می‌کند. به همین سبب، می‌توان گفت امت اسلامی، امتی است که در عقیده پاک اسلامی با هم یکی شده‌اند. این امت، الگویی عملی دارد که پیش‌تاز کاروان آن است و همه پشت سر او حرکت می‌کنند. اینان با این پیشوای خدایی قرار است بهترین الگوی عملی برای تمام ملت‌ها و اقوام باشند.

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۳

«و این‌گونه شما را امتی میانه رو کردیم تا گواهانی [بر حقانیت اسلام] برای همه اقوام شوید و

پیامبر نیز بر شما گواه باشد.»

توجه کنیم که یکی از بسترهای شکل‌گیری اختلاف، غلو در دین است. قرآن با نهی غلو (خطاب

به اهل کتاب) مسلمانان را نیز از غلو در دین نهی می‌کند و در این مورد می‌فرماید:

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ ... : ای اهل کتاب در دین خود غلو و زیاده‌روی نکنید.»^۴

تدبّر در آیه

با تدبّر در آیه مبارکه ۱۴۳ سوره بقره بگویید چه ویژگی‌هایی به امت پیامبر نسبت داده شده است؟

۱- وهبة الزحيلي در جلد اول «الفقه الاسلامي و ادلته» تصريح می‌کند که امام اعظم تابعی است.

۲- در کتب تاریخ فقه آمده است که امام شافعی به حرمت استادش، امام مالک، تا زمان حیات استاد از ذکر برخی از آرا خودداری می‌کرد.

۳- سوره بقره، آیه ۱۴۳؛ توضیح اینکه امت وسط یعنی امتی که از افراط و تفریط دوری می‌کند و وسط یعنی امتی که فضائل و ویژگی‌هایی مثل دادگری ایمان و حسنات دارد و شهدا هم یعنی نمونه‌هایی عملی که در دنیا برای دیگران الگو هستند و در قیامت هم در دادگاه الهی گواهی می‌دهند که برای الگو بودن در حد توان تلاش کرده و حقانیت دین را ثابت نموده‌اند.

۴- نهی از غلو در دین با عبارت «لا تغلوا» در دو جای قرآن آمده است:

اول، سوره نساء، آیه ۱۷۱؛ دوم، سوره مائده، آیه ۷۷.

غلو اهل کتب این بود که به عیسی بن مریم و عزیر شخصیت خدایی دادند و آنها را به خاطر مقام رسالت و نبوت، فرزند خدا و یا در سطح خدا دانستند.

جایگاه امت اسلامی

طبیعتاً هر قوم و ملتی می‌تواند براساس میزان پابندی خود به آنچه دارد از یک طرف و ارزش داشته‌اش از طرف دیگر، برای خود جایگاهی کسب کند، اما قرآن امت اسلامی را بهترین امت می‌داند:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱.

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم بیدار شده‌اید؛ به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورند، قطعاً برایشان بهتر است. برخی از آنان مؤمن‌اند ولی بیشترشان از محدوده ایمان خارج می‌شوند و فاسق‌اند».

از این آیه چندین نکته استخراج می‌شود که در اینجا به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- وصف آمر به معروف و ناهی از منکر بیانگر این است که این امت، اهل عمل است و امر به معروف و نهی از منکر زمانی در محضر خداوند پذیرفته است که انجام دهنده‌اش اهل عمل باشد.

۲- امر به معروف و نهی از منکر در صورتی تحقق پیدا می‌کند که همه مسلمانان به شکل یک امت باشند؛ یعنی حاکمیت اسلامی داشته باشند و یا کارشان گروهی، منسجم و سازمان یافته باشد.

۳- امت اسلامی آمر به معروف و ناهی از منکر، عملاً امتی دلسوز و صاحب احساس و مسئولیت است.

۴- از کلمه «لِلنَّاسِ» فهمیده می‌شود که امت اسلامی خود را در مقابل همه انسان‌ها مسئول می‌داند.

۵- از واژه «لِلنَّاسِ» همچنین می‌توان فهمید که امت اسلامی که به سود همه انسان‌ها کار می‌کند و کار امر به معروف و نهی از منکر در واقع به مصلحت همگان است.

۶- در جهان امروز، فراموش کردن توحید و ایمان به زندگی ابدی، پوچ‌گرایی، دنیاپرستی و وجود اعتقادات انحرافی، دعوتگرانی دلسوز و صبور می‌طلبد که چراغی پر فروز برای زندگی برتر شوند و انسان‌ها را نجات دهند.

۱- درباره ترجمه و تفسیر واژه «أُخْرِجَتْ» نظریات مختلفی داده شده است: از جمله، «أُخْرِجَتْ» یعنی «آفریده شده‌اید» و همچنین «أُخْرِجَتْ» یعنی برای دعوت آنها به نیکی‌ها و معشایان از بدی‌ها کار دعوت و تبلیغ را در پیش گرفته و به مناطق مختلف زمین خروج کرده‌اید.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۱- با اندیشیدن در آیه ۱۱۰ سورة آل عمران بنویسید که در زمان ما چه رویکردی به دین، انسان‌های مؤمن را در گروه بهترین امت قرار می‌دهد؟

بصیرت و امت واحده

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۱.
 «(ای پیامبر) بگو: این راه من است. با بصیرت به سوی الله دعوت می‌کنم؛ هم خودم و هم تمام کسانی که از من پیروی می‌کنند [دعوت‌مان بر بصیرت و بینش است] و خداوند از هر شریکی منزّه است و من از مشرکان نیستم».

در این آیه، دعوت پیامبر و یارانش دعوتی واضح و براساس بصیرت معرفی می‌شود. بصیرت، نوع نگرش صحیح به درخت دین اسلام است؛ درخت دین نظم، ترتیب، ریشه، تنه، شاخه‌ها، برگ‌ها و میوه‌هایی مرتب دارد و هر کدام از اینها در جای خود نیکو هستند. بنابراین، هر کس در اجرای امر به معروف، درخت دین را سر و ته کند و ابتدا به فروع دین و اخلاقیات پردازد، دعوتش، قطعاً دعوت صحیحی نیست. امروزه و در این زمان حساس دوری از افراط و تفریط و انحراف از اهداف دین و پرهیز از تندخویی، خشونت، تحقیر اقوام و ملت‌ها، امری لازم و ضروری برای به‌جا آوردن امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به اسلام است.

اتحاد امت اسلامی

اتحاد، شرط اساسی برای حیات طیبه^۲ امت اسلامی است. وجود رنگ‌ها، زبان‌ها، قومیت‌ها و ملت‌های گوناگون آیه‌ای از آیات رنگین خلقت است و نباید آن را دست‌مایه نزاع و اختلاف کرد. خداوند در سورة انعام امر به اطاعت از صراط مستقیم (تنها راه رسیدن به خدا) نموده است و از تفرقه و قدم نهادن در راه‌های گوناگون گمراه‌کننده نهی کرده است.

۱- سورة یوسف، آیه ۱۰۸.

۲- حیات طیبه اصطلاحی قرآنی است و مفهوم دقیق آن زندگی همراه با ایمان و عمل صالح و خود را فردی از مجموع عظیم امت دانستن است. زندگی ایمانی زندگی پاکی است که ایمان به توحید و ابدیت، پایه‌های آن به شمار می‌آید. در این زندگی پاک، مؤمن خود را مأموری می‌داند که می‌خواهد بهترین برخورد را با خدا و خلق خدا داشته باشد.

«وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»^۱

«این راه را [که من آن را برایتان ترسیم و بیان کردم] راه مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راه‌های [باطلی که شما را از آن نهی کرده‌ام] پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده می‌سازد».

خداوند همه مردم را به همگرایی و همسویی (امت واحده)، رعایت حقوق همدیگر، مساوات و برابری دعوت نموده است و این اصل اختصاص به اهل ایمان ندارد، بلکه در جامعه همه مردم به صورت یکسان از حقوق انسانی برخوردارند. دین‌داری مراتبی دارد؛ در این مراتب، ابتدا فرد به درجهٔ اسلام می‌رسد و بعد از مدتی تعهد و پیشرفت، به مرحلهٔ ایمانی می‌رسد و پس از رشد بیشتر در اخلاص، تقوا و استقامت دینی به مرحلهٔ احسان می‌رسد. به دارندهٔ هر کدام از این مراتب به ترتیب مسلم، مؤمن و محسن می‌گویند و با توجه به این تقسیم‌بندی، به مجموعهٔ منسجم طبقات سه گانهٔ یاد شده «مسلمون، مؤمنون و محسنون» گفته می‌شود. تمام آحاد و طبقات امت اسلامی باید بدانند که رهروان شاهراهی به نام «صراط مستقیم» هستند. قرآن به همهٔ رهروان این راه پر برکت امر کرده است که به ریسمان محکم الهی (توحید) چنگ زنند و متفرق نشوند و بدانند که تفرقه از شاخصه‌های جاهلیت است و با تفاوت نظر در مسائل علمی و دینی و یا تنوع زبان و فرهنگ و قومیت فرق دارد.

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^۲

«همگی به ریسمان خداوند چنگ بزنید و از اختلاف و تفرقه بپرهیزید و از نعمت خدا [دین اسلام] بر خود یاد کنید که زمانی با یکدیگر دشمن بودید و خداوند دل‌هایتان را به هم پیوند داد و به وسیلهٔ نعمت او با هم برادر شدید و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید و خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برایتان آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید».

در اینجا به مهم‌ترین عوامل تقویت وحدت و همگرایی اشاره می‌کنیم:

۱- دعوت به نقاط مشترک و همزیستی مسالمت‌آمیز

از جمله نمونه‌هایی از این هم‌زیستی، بی‌مانی است که میان حکومت اسلامی در صدر اسلام و پیروان اهل کتاب منعقد گردید. آنان پس از انعقاد پیمان از امنیت، آسایش و امکان داشتن ارتباط دوستانه با مسلمانان برخوردار شدند. قرآن کریم نسبت به اهل کتاب و دیگران در مقام همزیستی می‌فرماید:

۱- سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۵۳.

۲- سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّابِئِينَ مِنَ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱

«کسانی که ایمان داشتند و یهودیان و مسیحیان و ستاره پرستان و فرشته پرستان هرکس به خدا و روز قیامت ایمان داشته و کردار نیک انجام داده باشد چنین افرادی پاداششان در پیشگاه خدا محفوظ بوده و ترسی در آنان نیست و غم و اندوهی برایشان دست نخواهد داد».

۲- عدم اهانت به باورها و مقدسات دیگران

اسلام دینی است بر پایه عزت، کرامت و حفظ شخصیت و حیثیت انسان؛ بر این اساس قرآن کریم احترام به باورها و مقدسات دیگران را عامل و زمینه ساز تعامل سازنده می شمارد. آنجا که می فرماید: [ای مؤمنان!] به معبودها و بت هایی که مشرکان به جز خدا می پرستیدند دشنام ندهید، تا آنان [مبادا خشمگین شوند] تجاوزکارانه و جاهلانه خدا را دشنام دهند. [همان گونه که معبودها و بت ها را در نظر اینان آراسته ایم] برای هر ملتی و گروهی کردارشان را آراسته ایم سپس بازگشت شان به سوی خدا ایشان است و خدا آنان را از آنچه کرده اند آگاه می سازد.^۲

بیشتر بدانیم

اهداف امت اسلامی

(الف) فلاح و رستگاری: قرآن کریم می فرماید: وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.^۳
 (ب) ترویج خیر و معروف در جهان و نابودی شر و منکر: سورة آل عمران می فرماید: شما بهترین امت در میان انسان ها هستید؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.
 (ج) استقرار دین خدا در جهان: در قرآن کریم آمده است: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؛ خداست که رسول خود را با دین حق و هدایت فرستاد تا او را بر همه ادیان عالم برتری دهد.^۴
 (د) استقرار حاکمیت بندگان صالح خدا در زمین: خداوند در قرآن کریم می فرماید: أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ زمین را سرانجام بندگان صالح من، به ارث می برند.^۵
 (ه) نجات مستضعفان و محرومان: وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.^۶

۳- سورة مائده، آیه ۳۵

۲- سورة انعام، آیه ۱۰۸

۱- سورة بقره، آیه ۶۲

۶- سورة قصص، آیه ۵

۵- سورة انبیاء، آیه ۱۰۵

۴- سورة توبه، آیه ۳۳

عوامل اتحاد اسلامی :

- ۱- اتحاد عقیده؛ ۲- اتحاد در فروع دین؛ ۳- اتحاد در اصل هدایت و رهبری؛ ۴- اتحاد هدف و آرمان مشترک؛ ۵- اتحاد در فرهنگ و تمدن.

بررسی

در باره عملکرد دین ستیزان در گذشته و عصر حاضر تحقیق کنید و سپس توضیح دهید که آنها برای تضعیف امت اسلامی و ایجاد تفرقه میان آنان چه برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند.

اندیشه و تحقیق

- ۱- قرآن برای قبیح نشان دادن تفرقه از چه تعبیراتی استفاده می‌کند؟
- ۲- چگونه می‌توان به مراتب دین‌داری رسید؟ به ترتیب شرح دهید.